

امپریالیسم جهانی



کیگا - ژولیوس

در رابطه با شرایط ویژه سیاسی موجود در پهنه کشور ایران و فرم یافتن واژه های خاصی در ادبیات ایران و لزوم آموزش سیاسی ، ضروری دیده شد مفهوم کلی (امپریالیسم) را بطور مختصر تهیه و تقدیم دارم تا چنانچه مورد نظر قرار گرفت در نشریه مجله مکتب اسلام درج فرمایند

محقق اقتصاد ملیتهای آسیائی و آفریقائی

و چنانچه درج گردید بدنبال آن مفاهیم دیگر را که زنجیروار بدنبال هم فرم یافته و استخوان بندی اساسی امپریالیسم را ترسیم می سازند و بشرح زیر هستند، برایتان ارسال می دارم :

۱- فاشیسم چیست؟

۲- میلیتاریسم چیست؟

لطفا ورق بزنید

امپریالیسم جهانی !

۳- اپورتونیزم چیست؟

۴- مونوپولیسم چیست؟

الف - کارتل؟

ب - تراست؟

ج - سندیکا؟

د - کپرنیتیک چیست؟

امپریالیسم چیست ؟

در سال ۱۹۱۶ لنین بر اساس تحقیقات علمی خویش که بازتاب آن در کتاب **(امپریالیسم جدید نهائی کاپیتالیسم)** میباشد (۱)

با توجه به آموزشهای مارکسیستی از کتاب (سرمایه) اشاره می کند که دوران گذار کاپیتالیسم به مرحله امپریالیسم با رشد آزاد رقابت شروع می گردد و علائم گویا و بارز آن بدین گونه تجزیه و تحلیل می شود، چون رشد امپریالیسم توأم با خصوصیات فاشیستی، میلیتاریستی، اپورتونیستی و بالاخره استقرارسیستم (سرمایه داری انحصاری دولتی) هماهنگ بوده لذا نظام ویژه امپریالیستی را بوجود می آورد، و همزمان با آن تضاد درون خلقی، نیروی بازدارنده را بصورت سازمانهای طبقه کارگر و جهان بینی سوسیالیستی و کمونیستی متمرکز و متشکل می سازد و رشد سیستم سوسیالیستی جهانی را هموار می نماید و برای نیل به سیستم سوسیالیسم جهانی، مبارزات جنبش های آزادی بخش را بصورت تحقق در می آورد و عملا رو در روی منافع امپریالیستها به مبارزه

ضد امپریالیستی گسترده می پردازد .

شناخت ویژه گسی های امپریالیسم جهانی تا اندازه زیادی مشکل است ولی می توان از بازتابها و اثرات آن پی به ماهیت وجودی آن برده و شناخت لازم رابه توده های درحال فرم گیری سیاسی داد بطور کلی به عالیترین و آخرین مرحله از رشد و تکامل کاپیتالیسم یا سرمایه داری که در طول قرن های ۱۹ و ۲۰ پدید آمده امپریالیسم گویند و لنین حدنهائی و اوج رشد یابندگی سرمایه داری را امپریالیسم نامید و در واقع خالق لغت امپریالیسم در رابطه با مسائل مارکسیستی و سوسیالیستی لنین بوده و برای شناساندن و اژه امپریالیسم بجهانیان از موضع ویژه ای حرکت علمی می کنند که عبارتند از :

الف - اصل تمرکز تولیدات و سرمایه ها که می تواند به حدنهائی رشد سرمایه داری برسد و در بطن جامعه ایجاد انحصار (مونوپل) بنمایند و تولیدات را بصورت انحصاری و درید واحد خاصی متمرکز می سازد که در رابطه با ادامه حیات سیستم اقتصادی سایر کشورها می تواند عامل تعیین کننده مهمی باشد.

ب - ادغام سرمایه بانکها و سرمایه کارخانجات صنعتی در یکدیگر و ایجاد قدرت مالی بر اساس اصل تمرکز سرمایه های مالی در سطح يك جامعه و یا يك کشور .

ج - صدور سرمایه بخارج از کشور با تضمین بهره و سود ویژه بیشتر در مقابل صدور کالای کمتری

1 - Der Imperialismus als hohes Stadium des Kapitalismus

2 - Staatsmonodolistischen Kapitalismus .

امپریالیسم جهانی

انجام پذیر می گردد .

اقتصاد آزاد سرمایه داری را که در مرحله رقابت قرار دارد از بین برده و دوران ماقبل سرمایه داری انحصاری را پدید آورد و عملاً با نابود کردن سایر سیستم های اقتصاد آزاد سرمایه داری ، راه را برای رشد دوران انحصار خود آماده نماید .

اصولاً مبارزه شدید رقابتی مابین نیروهای انحصار طلب برای رسیدن به حد اعلای بهره و کسب سود بیشتر می باشد و بهمین دلیل ، برای رسیدن به این مرحله از هدفهای خود از هر گونه اعمال قدرت و جنایت صرف نظر نمی نماید و از خط مشی های گوناگونی برای رسیدن به اوج نیازمندی -

های سود جوینانه خویش استفاده می کنند و از یک مسیر همیشگی و دائمی برای نیل به طرح های تنظیم شده خویش کمک نمی گیرند و همواره از تضادهای ویژه در جهت عکس حرکت های اقتصادی و اجتماعی موجود در هر جامعه بهره برداری به عمل می آورد ، در عمل امپریالیسم عکس هر رخ داد اقتصادی - سیاسی و اجتماعی گام بر می دارد تا نظام های کهن را در جهت سود بیشتر بنظام های جدیدتری که حافظ منافع آنها باشند تبدیل نماید .

چون نیروی حرکتی و شالوده وجودی امپریالیسم رسیدن بسود ناشی از انحصار است لذا حاکمیت انحصار طلبان ، قهرآ مبارزه اساسی درون جوامع سرمایه داری را افزایش می دهد و ابعاد وسیع و گسترده ای به تضادهای درونی واحدهای مونوپولیست می دهد و بحران ما بین تولیدات

لطفاً ورق بزنید

د - سرمایه دارهای انحصاری بین المللی از طریق ایجاد واحدهای سیاسی - اقتصادی با یک دیگر تحت عنوان شرکت های چند ملیتی همکاری های لازم را بعمل می آورند تا اقتصاد جهان را مابین خود تقسیم نمایند و پس از این تقسیم بندی هست که مبارزه آنان برای تقسیم بیشتر جهان به قطب های امپریالیستی شدت خواهد گرفت و تلاش خواهند نمود تا بازارهای بیشتری را در اختیار خود بگیرند .

ه - قدرت های بزرگ امپریالیستی سعی خواهند نمود تا سرزمین های بیشتری را در زیر پوشش منافع امپریالیستی خود نگهداری کنند و عملاً جهان را مابین خود تقسیم بنمایند و در این رابطه است که از قوانین عدم توازن اقتصادی و سیاسی رشد سرمایه داری برای تقسیم بندی جدید در جهان استفاده خواهند کرد . (۱)

عامل مشخص و تعیین کننده ماهیت امپریالیسم خصلت انحصار طلبی اومی باشد که در فرم اتحادیه - های سرمایه داری مانند :

تراست ها و کارتل ها و سندیکاها مشخص می گردد و خود این اتحادیه های سرمایه داری نیز بر اساس و شالوده نظام تمرکز و مرکزیت تولیدات و سرمایه استوار است .

واحدهای انحصار طلب یا « مونوپولیست » سعی دارند با قدرت کامل بتسلط خود بر اقتصاد و سرمایه به نفوذ خویش گسترش داده و از این طریق

1 - Gesetzes der Ungleichmabigen okonomischen und Politischen Entwicklung des Kapitalismus .

امپریالیسم جهانی

می زند تا در پرتو گسستن نظام هابه تغییر حکومتها و ایجاد جنگها جهت دست یافتن به منافع مادی و مالی بیشتری نائل آید ، بطور کلی امپریالیسم تضادی است بر روند کلیه خطوط حاکم بر جوامع بشری اصولاً تسلط سرمایه داران انحصار طلب در جهت عدم خواسته های ملی کشورها بوده و ملت های جهان را از طریق اقدامات شبه انقلابی دچار شکست های سیاسی - اقتصادی می کنند تا آنها وابستگی بیشتری در جهت تأمین خواسته های اولیه خویش نشان دهند و در مسیر پرتلاطم عدم استقلال واقعی قرار گیرند .

امپریالیسم در مرحله نخست در سطح کشورهای وابسته بخود ، تلاش می کند سیستم اقتصادی کشور مورد نظر را در غالب و مدل و سیستم (کبیرتیک) (۲) سرمایه داری دولتی پیاده کند و راه را برای استحکام مونوپولیستها در سطح اقتصاد ملی (۳) هموار سازد و پس از آنکه اقتصاد ملی را از دو محور بخش دولتی و بخش خصوصی جدا ساخت آنرا فقط به بخش دولتی اختصاص داد آنگاه این امکان را بدست می آورد در هر موقع از زمان که اراده نماید چرخش سیستم اقتصاد ملی هر سرزمین وابسته را بسوی هدف های تولیدی و مصرفی خویش سوق دهد و تولیدات و کالاهای اقتصادی مورد نظر را با سود بیشتری به معرض عرضه و تقاضا بگذارد .

باتوجه به آنکه میلیتاریسم يك حربه برنده و كوبنده نیروهای امپریالیستی است و در جهت ایجاد

اجتماعی (۱) و تمایلات مطلق سرمایه داری را شدت و سرعت می بخشد و در پرتو سیستم حاکمیت انحصار طلبان است که فضای ملی (۲) کشورها از بین می رود و سیستم های جدید مستعمراتی نوین امپریالیستی جایگزین آنها می گردد .

با درك و شناخت مناهیم اقتصادی امپریالیسم بازم نمی توانیم بطور کلی درباره امپریالیسم ابراز نظر جامع و کلی بنمائیم زیرا بگفته لنین :

امپریالیسم نمودار مشخص و بارز سیستم سرمایه داری انحصاری است و با خصوصیات ویژه خود که عبارتند از انهدام پذیری - مزاحم و انگل بودن - فنا پذیر بودن در مرحله قبل از انقلاب های ، کارگری جهانی بر دنیا تحمیل می گردد و این روش وابسته به سیستم های سیاسی و اقتصادی هر کشور می باشد که درجه دوران از پیشرفت و تکامل صنعتی بودن قرار گرفته است که خود طبعاً موارد زیر را مورد سؤال قرار می دهد :

آیا ظرفیت تولیدات و حجم آن می تواند عامل فشار بر جابه باشد ؟

آیا تولیدات دارای سود ویژه است ؟

آیا سیستم فنی مدرن در امر تولیدات شرکت دارد ؟

آیا قدرت میلیتاریستی (نظامی گری) (۱) اقتصادی در سطح فوق العاده قرار دارد ؟

سؤالات فوق عامل تعیین کننده خطوط اساسی ماهیت سودجویانه و انحصار طلبانه امپریالیسم جهانی می باشد و بر اساس این منابع کسب سرمایه است که به ایجاد شورشها ، قیامها و بحرانها دست

1- die gesellschaftliche Produktion .

2- der nationale Rahmen .

امپریالیسم جهانی

می باشد استفاده می گردد ، زیرا در جوامع سرمایه داری هدف سیاست مالی براساس اصل تهیه وسائل لازم ، جهت جمع آوری پول برای دولت حاکم است و در این رابطه است که کلیه قوانین مالی در مسیر تقویت بنیه مالی دولت و « مونوپولیستها» طرح ریزی و پیاده می شوند و اینگونه سیاست های غلط مالی فقط در امر سرکوبی زحمت کشان و افراد فقیر می باشد زیرا با افزایش مالیتها ، قیمت ها افزایش می یابند و در نتیجه افزایش قیمت ها ، ارزش پس - اندازها پائین می آید و ایجاد تورم می نماید و باز تاب کلیه این زوئند اقتصادی فقط به سود امپریالیستها جهانی که عبارتند از ایالات متحده آمریکا ، انگلستان ، فرانسه و جمهوری فدرال آلمان و ژاپن می باشد .

جنگ بکار برده می شود لذا همواره خطر جنگ از طرف امپریالیسم و ایادی آن نیز وجود دارد و در هر شرایطی اعلام جنگ اعم از جنگ تبلیغاتی ، جنگ اقتصادی و جنگ نظامی بسود امپریالیسم می باشد زیرا هسته مرکزی رشد امپریالیسم تضادهای درونی امپریالیسم و منافع اقتصادی آن هست و این منافع اقتصادی است که در سرزمین ها ، کودتا شورش - قیام و انقلاب ، بوجود می آورد تا در پرتو آن به منافع اقتصادی و مالی بیشتری دسترسی بیشتری یابد و برای این منظور از سیاست مالی خاصی که شامل :

- ۱ - سیاست بودجه کشور .
- ۲ - سیاست مالیاتی .
- ۳ - سیاست اعتباری .
- ۴ - سیاست بیمه .

- 1- der Militarismus : Der moderne Militarismus ist ein Resultat des Kapitalismus .
- 2- Kybernetik - Systemen , Kybernetische System Weisen
Allgemeine Merkmale wie Regelung , Informationsverarbeitung und Speicherung Adaptation , Selbstorganisation , Selbstreproduktion , Strategisch Verhalten u.a
- 3- Volkswirtschaft.

نکته ها ...

خطبه ۹۴ نهج البلاغه

در سرگردانی و اضطراب و نگرانی شدید بودند و در بلای جهات بسر می بردند پیامبر (ص)، در نصیحت آنان کوشش فراوان کرد و براه راست بازشان آورد و مردم را به حکمت و دانش و پندهای نیکو دعوت نمود.

خداوند هنگامی پیامبر «ص» را برانگیخت که مردم در گمراهی و سرگردانی بسر می بردند و رفته و فساد غوطه ور بودند، هواها و آرزوهای آنها را احاطه کرده بود، کبر و نخوت سبب بغزشهای فراوان آنان شده جهل و نادانی پست و زبونشان ساخته بود.

پول می گرفتند ، محافل لیبرال که با حمایت چپی ها دست به عوامفریبی و تهمت می زده اند ، دشمنان او بوده اند ! محمدرضا پهلوی سپس چنین اظهار می دارد که در آغاز سال ۱۹۷۷ «چیز کاملاً عجیبی به وقوع پیوست»: تروریسم ناگهان متوقف شد و در همین لحظه ، سیاستمدارانی که ساکت نگهداشته شده بودند از سایه خارج شدند . از دیدگاه شاه مخلوع بدیهی است که این جریانها ، «سازمان داده شده» باشند . شاه مخلوع دوباره در این کتاب به آن مخلوق ذهنی خود یعنی مارکسیسم اسلامی ! روی آور می شود .

اما جالبتر اینکه ، وقتی محمد رضا پهلوی می خواهد به نقش امریکائیاها پردازد لحن ناسزا - گویی را کنار می گذارد و باحالت عشاق شکست خورده ، متنفرانه دست به گلگه می زند . شاه سابق معتقد است اصرار امریکائیاها به ایجاد فضای آزاد سقوط او را تسریع کرده است : «هرچه من در راه آزاد سازی جلوتر می رفتم اوضاع داخلی بدتر می شده . در این مورد علیرغم میل خود به مسأله عدم اطلاعات کافی و وابستگی و بردگی خویش اشاره می کند ، آنجا که سخن از «مأموریت عجیب **«ژنرال هو یوزر»** به میان می آورد که «بدون اطلاع او در بحرانی ترین لحظات برای جستجوی راه حل بایران آمده بود». و اقرار می کند که: نظامیان امریکا با هواپیماهای خود به ایران می آمدند و می رفتند و طبعاً هیچ اطاعتی از مقررات جاری ایران نمی کردند !!» .

اشتباهات کوچک !

شاه سابق ایران در ضمن خاطرات خود به اشتباهات کوچکی ! هم اعتراف می کند مثل بازرسی قیمت خرده فروشی توسط دانشجویان ، یا تأسیس

تخت اورا برباد دادطفره می رود . او مرتباً تکرار می کند که قصد داشته علیرغم دسیسه جنایتکاران ! برای مردم ایران سعادت بیاورد ! او معتقد است که این دسیسه وقتی شکل گرفت که کشور به سوی آینده درخشان ! قدرت صنعتی و نظامی شدن پیش رفت . در فصلی دست به دامن ارقام و آماد دقیق چیزی میشود که ظاهراً ارتش او را در آن تاریخ تشکیل می داد: «نیروی قادر به جلوگیری و مقابله با اغشاشات محلی در منطقه ای که از نظر استراتژیکی برای غرب اهمیت فراوان دارد» .

آنگاه در مورد رشد اقتصادی کشور ، به دفاع از خود بزرگ بینی خویش می پردازد و دوباره اعتقاد خود به **«تمدن بزرگی»** ! را به رخ می کشد و می گوید : «این وقایع دارای چنان ماهیتی نیستند که اعتقادات ما را که بارها بیان کرده ایم تغییر دهد برعکس ، ما را راسختر هم می کند» .

اما به قول خودش ، هیچ وسیله ای نبود که بتواند این **«وقایع»** را پیش بینی کند . شاه سابق در ۱۹۷۵ ، ضمن مصاحبه ای طولانی (که به صورت کتابی به نام **«شیر و خورشید»** در فرانسه به چاپ رسید) اظهار داشته بود که رژیم او راهیچ خطری تهدید نمی کند و ثبات خود را نقطه مقابل انحطاط تمدن مسیحی قرار داده بود اما امروز معتقد است که نخستین حمله ها از جانب رسانه های غرب به **«مرد نفقت گران»** شده است ، سپس به دفاع از سیاست **«قیمت عادلانه»** ! خود می افزاید و می گوید به خاطر این قیمت است که او رادیکتاتور و مستبد و سرکوبگر قلمداد کرده اند !

شاه سابق معتقد است که از روزنامه نگاران بدجنس و تحریک شده گذشته ، حریفان او عبارتند از مأموران خارجی چه آگاه ، و چه ناآگاه ، و کمونیسم بین المللی (!) دانشجویان «که از لیبی

حزب واحد «رستاخیز» که معتقد است اشتباهی! بوده که نظیرش را سادات هم مرتکب شده بود، منتها توانسته بود از آن خردمندان احتراز کند. محمد رضا پهلوی آنگاه به بدگویی ازداد گاهها اسلامی می بردازد و در باره آنها قلم فرسایی می کند اما از خود نمی پرسد که دلیل این همه نفرت مردم و این فریاد خشمگنانه خلقی تمام عیار و یک پارچه برای چیست، و چرا آنها را به دست وضع تازه سپرده اند؟ واقعاً جالب است که وی چگونه این مسأله اساسی را چنین سرسری برگزار می کند؟ او مختصراً اشاره می کند که «ساوالک» او - که آن را دوباره به سادگی بایک سرویس اطلاعاتی لاسیک مقایسه می کند - ممکن است در مورد یکی از مخالفان «بدرفتاری» کرده باشد، اما هرگز از خود نمی پرسد ملتی که بازور به جانب «سعادت» سوق داده می شود! ملتی که شاهد هجوم و استیلای سرمایه داران و تجار خارجی است، سنتهای فرهنگی اش مورد تجاوز واقع شده از حالت کشاورزی، به صنعتی ناقص و جنون آمیز سقوط داده شده، قطعاً دلیلی برای شورش دارد. ملتی که هر وسیله بیان سیاسی را از او گرفته بودند و دهها

هزار دانشجویش را بعد از اتمام تحصیلات در آمریکا به چنگال رژیم میسورد حمایت شکنجه گران می انداختند، چاره ای جز این نداشت.

شاه مخلوع قیامت ران دیده بود. یا شاید هم دیده بود، زیرا می نویسد «کارگران، پیشه وران صاحبان مشاغل آزاد، سربازان، ژاندارم ها، زن ها و حتی بچه ها با شجاعتی خارق العاده به استقبال توپ ها و تفنگ ها و تانک های دیکتاتور دیوانه رفتند... لا بد می پرسید از چه سخن می گوید... از کودتای ۲۸ مرداد که توسط سیا علیه مصدق ترتیب داده شد.

کتاب شاه چه چیزی است؟ آیا پاسخی است به تاریخ؟ نه، بیشتر توضیحی است یا آخرین قلمی است که نقاش بر تابلوی چهره خود می کشد. استفاد از همه وسایلی است که برای این کار در اختیار داشته او به عنوان دیکتاتوری دیوانه از غرور و تکبر، که ملتش او را طرد کرده، حتی قادر نیست که به ورشکستگی خود هم اقرار کند، او همچنان از فاجعه ای که برای ملت خود ساخته چیزی نمی فهمد!

(از مطبوعات صبح تهران)

آنجا که هم «ناسوت» از بین می رود و هم (لا هوت)!

در بجهت محاصره قسطنطنیه بوسیله سلطان محمد فاتح، جاسوسان برای او خبر بردند که در شهر، غوغائی عظیم است، گفت: چه خبر است؟ گفتند: کشیشان و عده زیادی از مردم در مسأله کلامی بر دو دسته تقسیم شده اند و حکام و سردمداران در کلیسای قدیم قدیس صوفی گرد آمده اند و بحث می کنند که زخم وارد بر مسیح، آیا بر جنبه لاهوت آنحضرت خورده یا بر جنبه ناسوت او!، محمد در همان حال گلوله ای از توبی سنگین به همان کلیسا شلیک کرد و چون اصابت کرد گفت: هم به لاهوتش خورد و هم به ناسوتش!

(خواندنیها شماره ۳۴ سال ۳۴)